

نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن

نویسندگان: بابک پورقهرمانی گلنپه

منبع: رواق اندیشه ۱۳۸۳ شماره ۲۸

چکیده

حقوق کودک، بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدی از سوی جامعه بین المللی دارد. با توجه به ضرورت توجه به مباحث حقوق کودک در سطح جامعه، نوشتار حاضر، به بررسی نکاتی پیرامون حقوق کودک که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با عنوان «کنوانسیون حقوق کودک»، در سال ۱۹۸۹ میلادی به تصویب رسیده است - که گامی مؤثر در هت حفظ حقوق کودکان محسوب می‌شود -، می‌پردازد. علاوه بر آن در این نوشتار، به موقعیت برخی از کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک اشاره شده است.

متن

مقدمه

انسان برای زندگی اجتماعی خویش، نیازمند امنیت جسمی، روحی، اقتصادی و ... است. کودکان نیز که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان، از همان سالهای نخست زندگی، آغاز می‌شود، با توجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به حمایتها و مراقبتهای ویژه‌ای دارند. این اقدامات باید مفهوم و قالب متناسبی یافته و با توجه به ناتوانی کودکان برای استیفای مستقیم حقوق خویش، جنبه‌های حمایتی وسیعی یابد؛ به گونه‌ای که بزرگسالان، الزام ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند.

توجه به حقوق کودک، فقط بحث جوامع امروزی نیست، بلکه در دین مبین اسلام هم نسبت به حقوق کودک توجه شده است (احترام و تکریم کودک، پرهیز از خشونت و بدرفتاری با کودکان، رعایت عدالت و پرهیز از تبعیض ..). (۲)

بر اساس اطلاعات منتشره، وضعیت کودکان در جوامع فعلی، نگران کننده است. بر اساس آمار یونیسف (۱۹۹۰ - ۱۹۸۹) (۳) هر روز، چهل هزار کودک زیر پنج سال، به علت سوء تغذیه و بیماریهای قابل پیشگیری، جان خود را از دست می‌دهند؛ نزدیک به صد میلیون کودک از برنامه‌های تحصیلات ابتدایی محرومند؛ نیمی از بچه‌ها در کشورهای در حال توسعه، به آب آشامیدنی دسترسی ندارند؛ سالانه نیم میلیون از مادران، در حاملگی و زایمان جان خود را از دست می‌دهند؛ بیش از صد میلیون کودک در جهان، از طریق کارهای خطرناک و اغلب تحت شرایط کشنده، امرار معاش می‌کنند؛ بیش از یک میلیون از مردم (که بیشتر آنها کودکان هستند) از خانه و زندگی محرومند و مواردی دیگر.

نقض حقوق کودکان در کشورهای در حال توسعه، بیشتر ناشی از فقر است، در حالی که در غرب، مشکل اخلاقی و ضعف بنیادهای خانواده، ناقض حقوق کودکان است. با این حال، همواره این کشورهای غربی هستند که کشورهای جهان سوم را در ارتباط با نقض حقوق کودکان، تحت فشار قرار می‌دهند. (۴)

آری! اهمیت این مطلب بر کسی پوشیده نیست که باید حقوق کودکان را شناخت و برای احقاق آن تلاش کرد. بر این اساس، در این نوشتار، کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قبل از این که به بررسی کنوانسیون بپردازیم، به سابقه تاریخی کنوانسیون مذکور اشاره می‌کنیم.

الف) سابقه تاریخی کنوانسیون حقوق کودک (۵)

مساله حقوق کودکان، مساله جدیدی نیست. شروع آن به دوران بعد از جنگ جهانی اول باز می‌گردد. یکی از طرفداران اولیه حقوق کودک، اگلانتین جب (۶)، بنیانگذار مؤسسه نجات کودکان در انگلستان در سال ۱۹۱۹ م. بود. وی عقیده داشت که کودکان، بشدت قربانی سیاستهای اقتصادی غلط و خطاهای سیاسی و جنگی می‌باشند و در بسیاری از مواقع، فدای مسائل سیاسی می‌شوند. پس از پایان جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای جنگ و آسیبهایی که از این راه بر کودکان وارد آمد، در سال ۱۹۲۴ م. «اعلامیه حقوق کودک» در ژنو تنظیم شد که بیشتر، در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیبهای جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. تاسیس صندوق بین المللی کودکان (یونیسف) (۷) در سال ۱۹۴۶ م.، گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوقی کودکان جهان بود. یونیسف بر اساس قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد، بعد از جنگ جهانی دوم برای رهایی چهارده کشور اروپایی از بند فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سرپرستی و آوارگی، پایه‌گذاری گردید. همچنین، اعلامیه جهانی

حقوق بشر (۸) ۱۹۴۸ م. نیز منبع دیگری برای پیمان حقوق کودک بود؛ زیرا این اعلامیه، تمام انسانها را بدون توجه به ویژگیها شامل می‌شود که طبعا کودکان را نیز در بر می‌گیرد.

در سال ۱۹۵۹ م.، اعلامیه حقوق کودک (۹) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که در واقع، اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد و همچنین قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵ م. (۱۰) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ م. (۱۱) و کنوانسیون حداقل سن اشتغال کودکان ۱۹۷۳ م. (۱۲)، مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان بیان شده است.

همچنین دو پروتکل اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ تصویب شده است: یکی، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان، در مورد شرکت کودکان در جنگ (۱۳) و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، در مورد فروش، فاحشگی و پورنوگرافی کودکان. (۱۴)

طرح کنوانسیون حقوق کودک که به ابتکار کشور لهستان و تلاش پروفیسور آدام لوباتکا (۱۵) از این کشور (که به مناسبت سال بین‌المللی حقوق کودک، اقدام به تهیه پیش‌نویس کنوانسیون کرد) در سال ۱۹۸۹، به اتفاق آرا تصویب شد، (۱۶) از یک مقدمه و ۵۴ ماده تشکیل یافته است. ۴۱ ماده آن مربوط به حقوق کودک می‌شود و ۱۳ ماده آن مربوط به نحوه اجرای آن در هر کشور. تاکنون، ۱۹۱ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به آن پیوسته‌اند و فقط کشورهای آمریکا و سومالی تا به حال به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند. (۱۷)

هدف اساسی این کنوانسیون، ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش در راه رشد هماهنگ و متعادل آنان در زمینه‌های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و رشد اجتماعی است و برای دستیابی به این هدف، چهار محور اساسی رشد، بقا، حمایت و مشارکت را مورد توجه قرار داده است. (۱۸)

ب) نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک

تعریف و مفهوم کودک

از نظر این کنوانسیون، افراد انسانی کمتر از ۱۸ سال، کودک محسوب می‌شوند. در این تعریف، انتهای کودکی مشخص شده؛ ولی به ابتدای کودکی اشاره‌ای نشده است. (۱۹) شاید گفته شود که این مساله بدیهی است و ابتدای کودکی، از همان زمان تولد انسان می‌باشد ولی برخی گفته‌اند:

«این تصور از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ زیرا از نظر فقه شیعه، ابتدای کودکی از لحظه انعقاد نطفه می‌باشد.» (۲۰)

ولی به نظر می‌رسد که این ایراد و برداشت از اسلام، قابل نقد باشد؛ چرا که اسلام، به هیچ وجه به مرحله «انعقاد نطفه تا تولد»، به عنوان «کودک» یاد نکرده است. هر چند از این دوران، مرحله به مرحله حمایت‌های ویژه‌ای کرده است، ولی نه با عنوان «کودک» بلکه با عنوان «جنین». آیات متعدد قرآن (۲۱) و کتب فقهی، مؤید این مطلب است.

اسلام، برای دوران جنینی، حقوق ثابت و دقیق در زمینه‌های حقوق مدنی و قواعد حمایتی در نظر گرفته (۲۲) و در این دوران، نه تنها خود جنین را مورد حمایت قرار داده، بلکه مادران را هم به خاطر آن جنین، مورد توجه قرار داده است.

منافع کودک

در بند ۱ از ماده ۳ کنوانسیون، تامین منافع کودکان در کلیه اقدامات انجام شده توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی یا ارگانهای حقوقی، مورد تاکید قرار گرفته است؛ ولی با این همه، مشخص نشده است که منظور از منافع کودکان چیست و چه معیار و مقامی برای تشخیص آن وجود دارد. (۲۳)

همچنین در بند ۲ همین ماده، رفاه کودکان، با در نظر گرفتن حقوق و تکالیف اولیای آنها مورد تاکید قرار داده شده است و مسؤولیت تامین آن را بر عهده کشورهای طرف کنوانسیون قرار داده است.

در بند ۳ هم، ضمانت‌حسن اجرای امور ایمنی و بهداشت کودکان توسط سازمانهای ذی‌ربط، به عهده کشورهای طرف کنوانسیون قرار داده شده است. البته کنوانسیون مذکور، ضمانت اجرایی برای قصور کشورها از این امر مهم، مشخص و تعیین نکرده است.

(۲۴)

تحقق حقوق کودک

در ماده ۴ کنوانسیون، دولتها به استیفای حقوق اقتصادی و اجتماعی راهنمایی شده‌اند و در جهت‌بهتر ایفا شدن این نقش، امکان همکاری‌های بین‌المللی پیش‌بینی شده است.

مسئولیت والدین

در ماده ۵ کنوانسیون، کشورهای طرف کنوانسیون، موظف به رعایت و محترم شمردن حقوق و مسئولیت‌های والدین یا سرپرستان قانونی آنان برای پرورش مناسب کودک هستند.

به رسمیت‌شناختن حق ذاتی (طبیعی)

در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون، حق ذاتی هر کودک برای زندگی، به رسمیت‌شناخته شده است و در بند ۲ هم تضمین ایجاد حداکثر امکانات برای بقا و پیشرفت کودکان، به عهده کشورهای عضو نهاده شده است.

حفظ هویت‌شخصی کودک، از جمله، داشتن نام و تابعیت

در ماده ۷ کنوانسیون، ثبت تولد کودک، داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، مشخص شدن والدین و تحت‌سرپرستی گرفتن کودکان توسط والدین و قیم قهری یا قانونی، از حقوق کودک شناخته شده است و طبق بند ۲ همین ماده، لازم الاجرا بودن موارد مذکور، بویژه درباره کودکان در معرض آوارگی توسط کشورهای عضو، قطعی است.

نکته‌ای که در این ماده از کنوانسیون قابل توجه است، کسب تابعیت کودک می‌باشد. آیا کودک زیر ۱۸ سال در کسب تابعیت، استقلال دارد؟ و آیا استقلال کودک در کسب تابعیت، در جهت‌حمایت از وی می‌باشد؟ کودکی که به سن ۱۸ سال نرسیده است، مساله‌ای با این اهمیت را چگونه می‌تواند به طور مستقل تصمیم بگیرد (حتی در موارد استثنایی مانند جنگ، اعتیاد و عدم صلاحیت اخلاقی والدین)؟

چنین استقلالی نه تنها در جهت‌حمایت از کودک نیست، بلکه با مصالح و منافع کودک هم مغایرت دارد. این استقلال با قوانین داخلی ایران هم سازگار نیست؛ چرا که بر طبق قوانین داخلی، استقلال در کسب تابعیت، پس از رسیدن به سن ۱۸ سال است. (۲۵) حتی در موارد استثنایی نیز نباید چنین اجازه‌ای به کودک داده شود؛ بلکه باید جانشینی برای تحصیل تابعیت وی در نظر گرفته شود.

هویت کودکی

در ماده ۸ کنوانسیون، هویت کودک، از جمله ملیت، نام و روابط خانوادگی، از حقوق مسلم کودک شناخته شده است و در صورتی که کودک از آن حقوق محروم شود، کشورهای عضو، حمایت و مساعدت سریع انجام خواهند داد.

پیوستن به خانواده

ماده ۱۰ کنوانسیون که با ماده ۹ در ارتباط می‌باشد پیش‌بینی کرده است که اولاً، درخواست کودک یا والدین وی برای ورود یا ترک کشور برای به هم پیوستن مجدد خانواده، از سوی کشور طرف کنوانسیون با نظر مثبت و به روش انسانی و سریع صورت بگیرد و چنین درخواستی، عواقبی برای درخواست‌کننده و اعضای آنها در پی نخواهد داشت. ثانیاً، در صورتی که کودک و والدین او در کشورهای جداگانه زندگی می‌کنند، حق دارند به طور منظم، روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین خود داشته باشند. ثالثاً، برای ترک کشور خود و ورود به کشور دیگر، حقوق آنها باید محترم شمرده شود، مگر آن که محل امنیت ملی، نظم و سلامت عمومی، اخلاق عمومی یا آزادی‌های دیگران و یا سایر حقوقی که در کنوانسیون به رسمیت‌شناخته شده، باشد.

منع قاچاق کودکان

در ماده ۱۱، قاچاق کودکان ممنوع اعلام شده است و کشورهای عضو کنوانسیون باید اقداماتی را در جهت مبارزه با انتقال و قاچاق کودکان و عدم بازگشت کودکان (مقیم) خارج، معمول بدارند.

آزادی عقیده کودک

در ماده ۱۲ کنوانسیون آمده است که اولاً، کودکانی که قادر به شکل دادن عقاید خود می‌باشند، بتوانند عقاید خود را در تمام موضوعات، آزادانه ابراز کنند و به نظرات آنها بها داده شود. ثانیاً، به کودکان فرصت داده شود که در تمام مراحل دادرسی قضایی و اجرایی به وسیله نماینده خود در چارچوب قوانین کشور متبوع ابراز عقیده نمایند.

در ماده ۱۳ محدودیتهای آزادی عقیده بیان شده است در ماده ۱۴ هم بر آزادی فکر و عقیده و مذهب تاکید شده است و والدین و سرپرستان کودک، موظف به هدایت کودک در جهت اعمال این حقوق شده‌اند.

اشکالی که در مورد مواد قبل قابل طرح است، عدم نظارت و کنترل بر رفتار چنین کودکانی است. اگر کودکی بر اساس حق آزادی، به اطلاعات کاملاً مغایر با اعتقادات خود دست‌یافت و هیچ‌گونه نظارت و کنترلی بر وی نباشد، بلکه ممنوع هم گردد (ماده ۱۶ - بند ۱ و ۲)، آیا این امر موجب آشفته‌گی فکری و روانی وی نمی‌شود؟ (۲۶) این آزادی بی‌قید، با معیارهای اسلامی هم منطبق نیست؛ چرا که اسلام، در توصیه‌های تربیتی خود، پرهیزهایی را در آداب معاشرت، شنیدنیها، گفتنیها و دیدنیها در نظر گرفته است، در حالی که کنوانسیون کودک بر این نوع آزادی صحنه گذاشته است. (۲۷) البته بعضی‌ها خواسته‌اند نظرات فوق را تا حدودی تعدیل کنند و بیان داشته‌اند:

«آنچه کنوانسیون تحت عنوان آزادی فکر و عقیده و مذهب به کودکان اعطا می‌نماید، این است که کودک، به طور نامعقولی تحت فشار برای اجرای بعضی از شعائر مذهبی قرار نگیرد و به او فرصت داده شود با ارشاد از ناحیه والدین خود به نحوی پرورش یابد که پس از رسیدن به سن بلوغ، آزادانه به عقیده و ایمان پایبند گردد و مذهبی را که مآلاً همان مذهب والدین خواهد بود، با بینشی واقع‌بینانه برگزیند.» (۲۸)

آزادی اجتماعی

طبق ماده ۱۵ کنوانسیون، آزادی تشکیل اجتماعات و مجامع مسالمت‌آمیز، از حقوق کودک است و دولتها باید آن را به سمیت بشناسند و در اعمال این حقوق، غیر از محدودیتهای مصرح قانونی و یا محدودیتهایی که برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم و سلامت عمومی و اخلاق و حق آزادیهای دیگران ضروری است، محدودیتی وجود ندارد.

حفظ حریم شخصی کودک

در ماده ۱۶ کنوانسیون، دخالت و ملاحظات غیرقانونی و خودسرانه و هتک حرمت در امور خصوصی و خانوادگی و حتی مکاتبات کودک منع شده است و حتی از دولتها درخواست شده است که در برابر این گونه اعمال، ضمانت اجرایی تعیین کنند. نکته قابل توجه این است که این ماده به طور مطلق به کار رفته است؛ یعنی حتی والدین، به جهت امور اخلاقی کودک و یا حتی به هتهداشت و سلامت عمومی، نمی‌توانند این کار را بکنند؛ که به نظر می‌رسد این عدم دخالت والدین و استقلال بی حد و مرز کودک در چنین وضعیتی، نه تنها به نفع و حمایت کودک نیست، بلکه آثار سویی در کودک به جا خواهد گذاشت.

دسترسی به مطالب و اطلاعات مناسب

در ماده ۱۷ کنوانسیون، کشورهای طرف کنوانسیون، جهت ارتقای سطح فرهنگ و آگاهیهای سالم کودک، بویژه از طریق رسانه‌های گروهی، دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب، از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی، خصوصاً مواردی را که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی می‌شود تضمین کنند.

مسئولیت مشترک والدین

در ماده ۱۸، ضمن به رسمیت‌شناختن مسئولیت مشترک پدر و مادر در حفظ سلامت جسمی، روحی و ارتقای سعادت اجتماعی و عرفانی، از کشورهای عضو خواسته شده است که در راه تحقق این منظور، مؤسسات قانونی، تسهیلات و خدمات لازم را فراهم کنند. این امر، به ویژه برای کودکانی که دارای والدین شاغل باشند بیشتر تاکید شده است.

منع بدرقتاری با کودک

در ماده ۱۹ کنوانسیون، اولاً، هر نوع اعمال خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوء استفاده، بی توجهی یا سهل‌انگاری، بدرقتاری یا استشهاده از جمله سوء استفاده جنسی، به طور کلی منع شده است و ثانیاً، اقدامات حمایتی کشورهای عضو از طرق مختلف قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی مورد تاکید قرار گرفته است.

کودکان بی‌سرپرست و محروم از خانواده

بر اساس ماده ۲۰ کنوانسیون که در سه بند تنظیم شده است، اولاً، محرومیت و یا محروم کردن کودک از خانواده به طور کلی منع شده است. ثانیاً، در صورت وقوع چنین حادثه‌ای، کشورها باید مراقبتهای جایگزین را برای اینگونه کودکان لحاظ کنند؛ از جمله

تعیین سرپرست و کفیل در قوانین اسلامی؛ فرزند خواندگی و یا در صورت لزوم، اعزام کودک به مؤسسات مراقبتی و ثالثاً، در برخورد با چنین مسأله‌ای، توجه خاصی به استمرار در تربیت کودک، قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان کودک شده است.

فرزند خواندگی

علاوه بر ماده ۲۰ که در آن به مسأله فرزند خواندگی اشاره شده است، در ماده ۲۱ کنوانسیون هم دوباره بیان شده است که کشورهایی که سیستم فرزند خواندگی را به رسمیت شناخته و مجاز می‌دانند، باید منافع عالی‌ه کودک را در اولویت قرار داده و بر طبق یک سری قواعد و مقررات منظمی درآوردند که مانع سوء استفاده و بهره‌برداری از کودک باشد.

که فرزند خواندگی در اسلام پذیرفته نشده (۳۰) و کنوانسیون، مخالف با مقررات اسلام است، ولی باید گفت که خود کنوانسیون، صراحتاً کشورهایی را ملزم به رعایت حقوق فرزند خواندگی می‌کند که سیستم فرزند خواندگی را به رسمیت شناخته‌اند. بنابراین، مغایرتی با مقررات اسلام ندارد.

کودکان آواره و پناهنده

در ماده ۲۲ کنوانسیون، اولاً، مسأله پناهندگی کودک به همراه والدین یا شخص دیگری مورد توجه قرار گرفته است و از کشورهای عضو درخواست شده است که طبق موازین حقوق بشر یا سایر اسناد بشر دوستانه عمل کنند. ثانیاً، در صورت پناهندگی بدون والدین، جهت‌به هم پیوستن مجدد اعضای خانواده، سعی در ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان کنند. ثالثاً، در صورت نیافتن والدین و اعضا خانواده، با وی به عنوان کودکی که به طور موقتاً دائم از محیط خانواده محروم شده است، رفتار کنند. (۳۱)

نکته قابل توجه در این ماده این که اولاً، پناهنده و پناهندگی تعریف نشده است و معلوم نیست به چه کسی پناهنده گفته می‌شود و منحصرأ کودک پناهنده مورد حمایت قرار گرفته، بدون آن که ضابطه و معیار خاصی در جهت تشخیص کودک پناهنده داده شود. ثانیاً، پناهندگی از جهت‌بین‌المللی، دارای ضوابط و مقررات خاصی است، ولی تضمین برخورداری حق کودک برای پناهندگی حتی با شخص دیگر که منجر به جدایی از والدین می‌شود (به صورت مطلق) مستلزم محرومیت از روابط عاطفی با والدین است و صرفاً در شرایط اضطراری می‌توان پناهندگی را اصلاح دانست، آن‌هم مشروط به آن که همراه با والدین ممکن نباشد. اما در شرایط و موارد دیگری که قوانین کشورها اجازه پناهندگی می‌دهد، به طور کلی نمی‌توان دوری و جدایی از پدر و مادر را تامین‌کننده مصالح عالی‌ه کودک دانست. (۳۲)

آموزش و پرورش و اهداف آن

در ماده ۲۸، حق کودک نسبت‌به آموزش و پرورش، به رسمیت شناخته شده (۳۳) و در ضمن، آموزش ابتدایی برای همه رایگان همچنین در این ماده، توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه و عالی مورد توجه قرار گرفته است (۳۵) و در ماده ۲۹ هم به اهداف برنامه‌های آموزش و پرورش، در پنج عنوان اشاره شده است و از این جهت که به پرورش و ارتقای ارزشهای اخلاقی و باورهای دینی اشاره‌ای نشده است، قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

کودکان اقلیتهای قومی و مذهبی

در ماده ۳۰ کنوانسیون، به کودکان اقلیتهای قومی و مذهبی توجه شده است و چنین اشخاصی باید حق برخورداری از فرهنگ خود و تعالیم و اعمال مذهبی و زبان خود را داشته باشند. (۳۶)

تفریح و فعالیتهای فرهنگی

در ماده ۳۱، به ابعاد فرهنگی - هنری، از جمله کلیه زمینه‌هایی که موجبات تفریح و آرامش و در نتیجه، پرورش خلاقیت‌های مناسب کودک را فراهم می‌آورد، اشاره شده است و کشورهای عضو، موظف به محترم شمردن و فراهم نمودن و توسعه بخشیدن چنین حقی شده‌اند. (۳۷)

کار کودکان

در ماده ۳۲ کنوانسیون، به کار کودک و سن و شرایط کار کودکان توجه شده است و از دولتها خواسته شده است که باید از استثمار اقتصادی کودک و هرگونه کاری که برایش زیانبار بوده و یا موجب توقف در تحصیل او شده و یا برای بهداشت جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی او مضر باشد، جلوگیری نمایند و برای تامین این منظور، حداقل سن و حداکثر ساعات کار و سایر ضمانت‌های اجرایی آن را تصویب و به اجرا درآورند. (۳۸)

مواد مخدر

در ماده ۳۳، سوء استفاده از کودکان در جهت تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر و محرک، ممنوع اعلان شده و از کشورهای عضو خواسته شده که تمهیداتی را در جهت جلوگیری از چنین اعمالی مقرر نمایند.

منع شکنجه و اصول دادرسی

در ماده ۳۷ کنوانسیون، چند مورد قابل توجه است و کشورهای عضو، ملزم به رعایت آن هستند:

۱- شکنجه و مجازات اعدام و حبس ابد برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام شده است. که یکی از عمده‌ترین دلایل امتناع کشور آمریکا از پیوستن به این کنوانسیون همین بند از ماده ۳۷ است؛ زیرا در ۲۵ ایالت آمریکا، حکم اعدام شامل اطفال زیر ۱۸ سال هم می‌شود و در موارد متعددی حکم اعدام به اجراء نیز گذاشته شده است. (۳۹)

۲- دستگیری و بازداشت و یا زندانی کردن کودک به طور غیرقانونی و خودسرانه، ممنوع اعلام شده و از آنها به عنوان آخرین راه چاره استفاده شده است و در صورت زندانی کردن باید با او برخورد محترمانه و انسانی کرد.

۳- کودک، حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدتهای ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه و سایر مقامات ذیصلاح را داشته باشد. (۴۰)

نکته‌ای که در این ماده ذکر نشده (و باید ذکر می‌شد)، این است که علیرغم تعلق این کنوانسیون به اطفال، هیچ گونه تعریفی از اطفال بزه‌کار نشده است و همچنین به بعضی از اصول مترقی حقوق جزا در مورد اطفال بزه‌کار توجه نشده است؛ از جمله این موارد، روشهای جدید اقدامات تامینی و تربیتی، عفو و ... می‌باشد. (۴۱)

جنگهای مسلحانه

بر اساس ماده ۳۸ کنوانسیون، کشورها باید اولاً، در زمان جنگهای مسلحانه، به حقوق کودکان احترام بگذارند. ثانیاً، از استخدام کودکان زیر ۱۵ سال در جنگهای مسلحانه خودداری کنند. ثالثاً، از کودکانی که به نحوی، از آثار جنگ متأثر شده‌اند، حمایت کنند.

رعایت عدالت

ماده ۴۰ کنوانسیون، به مسائل و اصول و آیین دادرسی کیفری اطفال بزه‌کار می‌پردازد و کشورها، ملزم به رعایت اصول کلی مربوط به محاکمات عادلانه و اصل برائت و رفتار انسانی با متهم و اصل قانونی بودن جرم و مجازات و عطف به ما سبق نشدن قانون و محرمانه بودن دادرسی کودکان هستند و در ضمن، زندان کودکان باید از بزرگسالان جدا باشد.

رجحان قوانین مؤثرتر

طبق ماده ۴۱، هیچ یک از مواد کنوانسیون، قوانین داخلی یا بین‌المللی لازم الاجرا در کشورهای عضو را که در جهت تحقق منافع کودک مؤثرتر باشد، تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

این موارد، مطالب برخی از مهمترین مواد مربوط به حقوق عمومی کودکان بود که به صورت مختصر بیان شد. مواد ۴۲ تا ۴۶ کنوانسیون، به نحوه سازماندهی اجرای مواد تشریح شده می‌پردازد و در این جهت، کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته حقوقی کودک» تشکیل شده که پیشرفت کشورهای عضو را در اجرای مقررات، مورد بررسی قرار می‌دهد و گزارش کشورها را در این زمینه رسیدگی می‌نماید. موضوع بخش اخیر کنوانسیون هم که شامل مواد ۴۶ تا ۵۴ کنوانسیون می‌شود، نحوه تصویب و عضویت کشورها به این کنوانسیون است و مراحل الحاق کشورها و اعمال پیشنهادهای اصلاحی آن را مطرح می‌کنند. نکته قابل توجه در این مواد، اختیار حق شرط یا حق تحفظ (reservation) دولت‌ها به هنگام امضا یا تصویب کنوانسیون می‌باشد که نسبت به برخی مواد آن، اعلام حق تحفظ و عدم پایبندی به اجرای آنها را بنمایند. در بند ۲ ماده ۵۱ هم بیان شده است که «حق شرطهایی که مغایر با هدف و مقصود کنوانسیون باشد، پذیرفته نیست.» ولی مشخص نشده است که مرجع و مقام تشخیص مغایر یک حق شرط با هدف و مقصود کنوانسیون چیست. (۴۲) در ضمن، مساله ارجاع اختلاف در تفسیر و اجرای مقررات کنوانسیون به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری که در بعضی کنوانسیونهای سابق الذکر مطرح شده بود، در این کنوانسیون مسکوت مانده است. (۴۳)

ج) وضعیت برخی از کشورها، نسبت به کنوانسیون حقوق کودک

همان طور که گفته شد، از بین ۱۹۳ کشور جهان، ۱۹۱ کشور، کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده و به تصویب رسانده‌اند و فقط کشور آمریکا و سومالی تا به حال کنوانسیون را تصویب نکرده‌اند. آمریکا، دلایل تصویب نکردن کنوانسیون مذکور را به هم ریختن اقتدار والدین توسط کنوانسیون، عدم وجود مجازات اعدام برای اشخاص زیر ۱۸ سال (که در ۲۵ ایالت آمریکا برای چنین اشخاصی مجازات اعدام وجود داد)، موضوع حقوق (که فقط حقوق سیاسی و مدنی را به رسمیت شناخته است) و موضوع صلاحیت (که فدرالیسم بودن ایالات متحده، مانع پیوستن به کنوانسیون می‌شود؛ هر چند کشورهای برزیل، آلمان و مکزیک با وجود فدرال بودن، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده‌اند) دانسته است. (۴۴)

فیلیپین که در سپتامبر ۱۹۹۰، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده است، (۴۵) قوانین خود را تا حدودی در جهت کنوانسیون تغییر داده و یا اصلاح کرده است. برای فحشا و خرید و فروش کودکان، قوانین جدیدی تصویب و یا در مورد حداقل سن کار کودکان، مطابق کنوانسیون، تجدید نظر شده است. اما در این کشور، سیستم دادرسی کودکان و نوجوانان، اصلاح نشده و کارشناسان و مشاوران حقوقی کودک تربیت نشده‌اند. در مورد ثبت قانونی کودکان، اقدامات جدیدی به عمل آمده و در ارتباط با مشکلات کودکان (فحشا، سربرازگیری، کار، آزار کودک و...). واحدهایی برای جمع آوری آمار و اطلاعات تشکیل شده است.

سریلانکا که در آگوست ۱۹۹۱، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرده است، در سال ۱۹۹۵، قوانین جدیدی را در مورد سوء استفاده جنسی از کودکان، کار کودکان و فرزند خواندگی، به تصویب رسانده و سن سربازی را از ۱۵ به ۱۸ سال افزایش داده است. همچنین، اعلامیه حقوق بشر را در برنامه‌های درسی خود وارد کرد. (۴۶)

کشور نپال که در اکتبر ۱۹۹۰، کنوانسیون مذکور را تصویب کرد، قوانین خود را در مورد سن کار کودکان، تغییر داد و برای هر ۷۵ منطقه کشور، یک مسئول رفاه کودک تعیین کرده است. (۴۷)

در ویتنام (سال ۱۹۹۰) در خصوص قوانین مربوط به فرایند دادرسی کودکان و نوجوانان، تربیت قاضی، پلیس و کارشناس حقوقی بر اساس کنوانسیون، تجدید نظر و نیز کمیته‌های حفظ و مراقبت از کودکان در سطح استان و منطقه تشکیل شده است. (۴۸)

فرانسه که در سپتامبر ۱۹۹۰، کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته، در سیستم دادرسی کیفری کودکان تجدید نظر کرده و بر اساس ماده ۱۲ کنوانسیون، در سال ۱۹۹۳، قوانین جدیدی را به تصویب رسانده است و همچنین از طریق رسانه‌های جمعی، آموزش حقوق کودک، بویژه حق مشورت کودکان با وکیل در موارد ضروری، انجام می‌شود. (۴۹)

در برزیل، تقریباً نیمی از پنج هزار شهرداری کشور، دارای شورای حقوق کودک است و هزار شورای ویژه قیومیت تاسیس شده است که هدف آنها حمایت از کودکان در معرض آسیب و خطر است و همچنین، نهضت ملی حمایت از کودکان خیابانی در این کشور تشکیل شده است. (۵۰)

کلمبیا که در فوریه ۱۹۹۱، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرده است، بازرسانی را در سطح ملی و استانها برای نظارت بر وضعیت کودکان، انتخاب کرده و در ضمن، آگاه سازی عمومی در زمینه پیمان حقوق کودک، از طریق رسانه‌های گروهی، سازمانها و مدارس، توسط دولت انجام داده است. (۵۱)

کشور پرتغال هم که در اکتبر ۱۹۹۰، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده است، در سن کار کودکان، تجدید نظر نموده و در برنامه‌های درسی خود، اعلامیه حقوق بشر را وارد کرده است. در ارتباط با مشکلات کودکان (فحشا؛ سربرازگیری، کار، آزار کودک و...). واحدهایی برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات، در این کشور ایجاد نموده است. (۵۲)

این موارد، خلاصه فعالیت‌هایی بود که در زمینه تحقق پیمان حقوق کودک در برخی از کشورها انجام شده است.

شایان ذکر است که برخی از دولتها، کنوانسیون کودک را با توجه به ماده ۵۱ کنوانسیون، با شرایط خاصی پذیرفته‌اند و با اعلام حق شرط، عدم پایبندی خود را نسبت به برخی موارد اعلان کرده‌اند. مفسلترین حق شرطها، مربوط به آلمان، انگلیس، واتیکان و بلژیک می‌باشد. (۵۳)

مثلاً، دولت بلژیک اعلام داشته است که بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون، در مورد عدم اعمال تبعیض در اجرای حقوق را بدینگونه تفسیر می‌کند که منظور این نیست که باید با کودکان اتباع خارجه همان رفتاری شود که با اتباع بلژیکی می‌شود و همان حقوقی داده شود که به اتباع بلژیکی اعطا می‌شود. تفاوت معقول و منطقی مبتنی بر قانون بین اتباع داخلی و تبعه خارجی، تبعیض محسوب نمی‌شود. در مورد مواد ۱۳ و ۱۵ مربوط به آزادی و ابراز عقیده و تشکیل اجتماعات اعلام داشته است که این موارد را با محدودیتها و شرایط و مقرراتی که در مواد ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است اجرا می‌کند. (۵۴)

یا دولت و اتیکان اعلان کرد: عبارت «آموزش تنظیم خانواده» مندرج در ذیل بند ۲ ماده ۲۴ را با این تفسیر که با روشهای منطبق بر موازین اخلاقی قابل قبول؛ یعنی روش طبیعی باشد، می‌پذیرد و نیز مواد ۱۳ و ۲۸ مربوط به آموزش و ماده ۱۴ مربوط به آزادی مذهب و ماده ۱۵ مربوط به آزادی اجتماعات را به گونه‌ای می‌پذیرد که حقوق اساسی و غیرقابل سلب والدین، محفوظ باشد. (۵۵)

و یا کشور مصر اعلام کرد: از آنجا که شریعت اسلامی، یکی از مهمترین منابع اصلی قوانین موضوعه مصر است و در اسلام، با وجود راه‌های مختلفی که برای حمایت از کودکان وجود دارد، مقررات فرزند خواندگی موجود نیست، بنابراین، نسبت به مواد مربوط به آن بصراحت اعلام حق شرط می‌کند. (۵۶)

علاوه بر موارد فوق، کشورهای دیگری وجود دارند که نسبت به کنوانسیون حقوق کودک، اعلان حق شرط کرده‌اند، از جمله کشور اردن، مغرب، کویت، الجزایر، عراق، پاکستان، افغانستان، قطر، سوریه، که به خاطر پرهیز از تفصیل مطالب، از ذکر آنها خودداری می‌شود. (۵۷)

د) ایران و کنوانسیون حقوق کودک

جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را در ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ امضا و در اگوست ۱۹۹۴ (اسفند ماه ۱۳۷۲) تصویب کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران در هنگام امضای کنوانسیون به این شرح، اعلام حق شرط نموده است: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلان نماید».

با توجه به این که طبق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد، مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده‌ای، الحاق به کنوانسیون را با همین قید کلی ملزم نبودن به موارد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصویب نمود. متن ماده واحده چنین بود: «کنوانسیون حقوق کودک، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود؛ مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، لازم‌الرعايه نباشد».

ولی با این وجود، شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۷۶۰ - ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود به مجلس، موارد مخالفت کنوانسیون با موازین شرع را مشخصاً اعلام داشته است؛ موارد مشخص شورای نگهبان عبارت بودند از بند ۱ ماده ۱۲ (آزادی عقیده) بند ۱ ماده ۱۳ (آزادی بیان) بنده ۲ ماده ۱۳ (محدودیتها نسبت به حق مذکور) بند ۱ ماده ۱۴ (آزادی فکر و عقیده و مذهب) بند ۳ ماده ۱۴ (محدودیتها نسبت به حق مذکور) بند ۲ ماده ۱۵ (محدودیت نسبت به حق آزادی تشکیل اجتماعات و شرکت در آنها) بند ۱ ماده ۱۶ (منع دخالت در امور شخصی و خانوادگی) بند ۱ قسمت ۱ ماده ۲۹ (جهت‌گیری آموزش کودک).

مجلس شورای اسلامی، پس از دریافت نظر شورای نگهبان، به جای این که موارد مشخص شورای نگهبان را تأمین کند، با اصلاح یک عبارت کوچکی در متن ماده واحده (عبارت «باشد و یا» را بعد از کلمه «اسلامی» و قبل از کلمه «قرار گیرد» اضافه کرد) اکتفا کرد و آن را تصویب نمود و در واقع با این عبارت، شورای نگهبان یک حق تحفظ کلی را پذیرفت و مصوبه مجلس را تأیید کرد؛ بدین صورت که «و ... مشروط بر این که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد.» مفهوم شرط یاد شده، این است که دولت جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به کنوانسیون، در صدد بر نمی‌آید که قوانین خود را با مقررات کنوانسیون وفق دهد و آن را اصلاح کند، بلکه قوانین خود را اجرا می‌کند و در آینده نیز قوانینی را که مناسب بداند وضع و اجرا می‌کند و به هر صورت، هر جا مقررات کنوانسیون با قوانین داخلی فعلی یا قوانین مصوب بعدی مغایر تشخیص داده شد، این مقررات برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نیست و همین امر است که مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفته و این شرط کلی را غیر قابل قبول و غیر منطبق با کنوانسیون می‌دانند. (۵۸)

البته برخی در این مورد معتقدند که دولت ایران با گنجاندن چنین شرطی، در حقیقت قبول و اعتراف کرده است که بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون، مغایرت اساسی وجود نداشته و نباید داشته باشد و فقط در موارد جزئی، قوانین داخلی و موازین اسلامی ارجح است و استدلال خلاف آن نقض غرض خواهد بود. (۵۹)

این خلاصه‌ای از موقعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک بود. ولی لازم به ذکر است که تصویب کنوانسیون حقوق کودک در ایران، بدین معنی نیست که سابقاً در ایران حقوق کودک رعایت نمی‌شد، بلکه قوانین و مقرراتی قبل از تصویب کنوانسیون مذکور وجود داشت که در جهت حمایت از حقوق کودک، تصویب و اجرا می‌شده است.

البته قوانینی (بعد از تصویب کنوانسیون) در ایران به تصویب رسیده است که گامی مهم و مؤثر در جهت حمایت از حقوق کودک می‌باشد، از جمله، پیش‌بینی آیین دادرسی خاص ویژه اطفال بزه‌کار زیر ۱۸ سال در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، تجدید نظر در قانون مدنی در مورد سن نکاح مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۸۱ (اصلاحیه ماده ۱۰۴۱ ق.م.)، تجدید نظر در ماده ۱۱۶۹ ق.م. در مورد حضانت اطفال، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (آذر ماه ۱۳۸۲ مبتنی بر این که سن حضانت، اعم از پسر و دختر، تا سن هفت‌سالگی با مادر است) و قانون مهم دیگر، «قانون حمایت کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱/۵/۲۹ می‌باشد که از نه ماده تشکیل شده است. طبق ماده یک آن، اشخاص کمتر از ۱۸ سال شمسی تمام، از حمایت‌های قانونی این قانون بهره‌مند می‌شوند. در این قانون، هر گونه اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره بیندازد، ممنوع شده است. طبق ماده ۳ این قانون، هرگونه خرید و فروش و بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب علاوه بر جبران خسارت، به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. طبق ماده ۴، هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمده سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع شده است و در ضمن، کودک آزاری، از جمله جرائم عمومی محسوب می‌شود و نیاز به شاکی خصوصی ندارد (ماده ۵ قانون) و اشخاص و مؤسسات و مراکزی هم که به نحوی، مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده کودک آزاری، به مقامات صالح قضایی جهت پیگرد، اطلاع بدهند.

همانگونه که ملاحظه شد، بیشتر مواد کنوانسیون حقوق کودک، در این قانون بیان شده و این حاکی از حساسیت قانونگذار نسبت به قضیه می‌باشد که قابل تحسین است.

با وجود این که کنوانسیون از نقاط قوت و محاسن برخوردار است، ولی به نوبه خود ایراداتی بر آن وارد است.

نتیجه‌گیری

در ارزیابی کلی از کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹ باید گفت که اصول ذکر شده در این کنوانسیون، مبین نیازمندیهای اساسی و بنیادین کودکان و نیز تکالیف خانواده، جامعه و دولت در اجابت نیازهای آنان بوده و متضمن تدابیر اجرایی در حمایت از کودکان است.

با وجود این که کنوانسیون از نقاط قوت و محاسن برخوردار است، ولی به نوبه خود ایراداتی بر آن وارد است، از جمله، عدم وجود نوآوری و ابتکار در برخی مواد، عدم تعریف اطفال بزه‌کار، عدم توجه به برخی از اصول مترقی جهان، وجود «حق تحفظ» برای کشورها، ابهام و اجمال در برخی از موارد، عدم تعریف کودک پناهنده.

همچنین، کنوانسیون مذکور در موضوعاتی دارای خلا می‌باشد، از جمله، توارث فرزند از والدین، حقوق سیاسی کودک، حقوق مربوط به ورزش، ازدواج کودک، کودکان نامشروع از افراد نابالغ، حقوق والدین نسبت به کودک، اهلیت فعالیت‌های اقتصادی و انجام معاملات، مسوولیت کیفری و مدنی در برابر اعمال خود و ... حال با این همه نواقص و کاستی‌های که کنوانسیون یاد شده دارد، از لحاظ تدوین مقرراتی جامع درباره حقوق کودکان، انتظارات جامعه بشری را در حمایت از کودکان برآورده است و اکثر کشورها پس از تصویب کنوانسیون، در کشور خود، بتدریج قوانین و مقررات خود را اصلاح کرده یا تغییر داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران هم از جمله این کشورها است که به تدوین مقررات جدید در حمایت از کودک پرداخته است.

پی‌نوشت:

(۱) کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، محقق و نویسنده.

(۲) ک. :. احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، صص ۱۲، ۴۶، ۱۰۰، ۱۸۴، ۲۱۲.

۳. Ten basic facts about the world |s children, www.rehydrate.org/facts.

۴. WWW.ghader.com

۵. convention on the rights of the child ۱۹۸۹ (CRC).

۶. Aglantin job.

۷. unicef

۸. universal declaration of human rights (۱۹۸۴).
۹. declaration of the rights of child ۲۰ november (۱۹۵۹).
۱۰. international covenant on civil and political rights and the optional protocol thereto (۱۹۶۶).
۱۱. international convention on the elimination of all forms of racial discrimination (۱۹۶۵).
۱۲. convention on the minimum age for employment (۱۹۷۳).
۱۳. optional protocol to the convention on the rights of the child on the involvement of children in armed conflicts (۲۰۰۰).
۱۴. optional protocol to the convention on the rights of the child on the sale of children, child prostitution and child pornography (۲۰۰۰).
۱۵. adam lubutka.
۱۶. sharondetrick and paul vlaarding erbroek, Globalization of childlaw, martinus pub, ۱۹۹۹, P.۱۵.
۱۷. who has ratified?, www.freethechildren.org.
- (۱۸) ر. ک .: سارا ابو حسینی، در ارتباط با حقوق کودک در قانون، مجله روان‌شناسی امروز، ص ۲۳؛ آذین نوبان، یونیسف و پیمان جهانی حقوق کودک، روزنامه انتخاب، ۷۸/۱۲/۲۲؛ لئندبلاد برتیل، نظام اخلاقی جهانی برای کودکان، حقوق و اجتماع، ش ۲۱، ص ۲۲.
- (۱۹) تهمنه حبیبی، نقد فقهی کنوانسیون حقوق کودک، کتاب زنان، ش ۱۶، ص ۳۲.
- (۲۰) همان، ص ۳۳.
- (۲۱) حج/۵؛ مؤمنون/۱۴؛ غافر/۶۷؛ قیامه/۳۸ - ۳۷.
- (۲۲) مانند حق حیات، تعلق گرفتن دیه، تاخیر در مجازات زنان باردار، حق تملک و ارث.
- (۲۳) حسین باهر، نکاتی پیرامون حقوق جهانی کودک و نوجوان، ماهنامه دادرسی، ش ۶، ص ۵؛ مسعود آذربایجانی، نگاهی تربیتی به کنوانسیون حقوق کودک، کتاب زنان، ش ۱۶؛ آذین نوبان، پیشین.
- (۲۴) حسین باهر، پیشین.
- (۲۵) ر. ک .: مواد ۹۷۷، ۹۷۹ و ۹۸۵ قانون مدنی.
- (۲۶) مسعود آذربایجانی، پیشین.
- (۲۷) اصغر محمدی، پیشین.
- (۲۸) مهرزاد ابدالی، حقوق کودک در کنوانسیون بین المللی و تطبیق با حقوق اسلام و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۹.
- (۲۹) تهمنه حبیبی، پیشین، ص ۳۴.
- (۳۰) احزاب/۴، ۵ و ۴۰.
- (۳۱) حسین باهری، پیشین، ص ۳۱؛ www.worldvision.org.uk ? Whatarechildrights
- (۳۲) مسعود آذربایجانی، پیشین؛ میترا کاوه مرییان، نقد ساختاری کنوانسیون حقوق کودک، کتاب زنان، ش ۱۶.

۳۳. convention on the rights of the child; op. cit

(۳۴ ر. ک. : اصل سیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳۵. about the convention, op. cit

۳۶. what are child rights?, op. cit.

۳۷. areview of international development, www.communitylaw centve.org.za; article ۳۱ - action network; www.playtrain.org.uk/art ۳۱.

۳۸. What are child rights? op. cit; ILo fundamental conventions employment of young per; www.aucegypt.edu.

۳۹. who has ratified? op. cit.

(۴۰ حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹.

(۴۱ بررسی اجمالی کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶/۶/۱۵.

(۴۲ حسین مهرپور، پیشین، ص ۱۴۱.

(۴۳ همان، ص ۱۴۲.

۴۴. who has ratified? op. cit.

۴۵. Ibid.

۴۶. Ibid

۴۷. www.worldcommunication.org/childlabore.

(۴۸ فاطمه قاسمی، حقوق کودکان از حرف تا عمل، پیشین.

(۴۹ همان.

(۵۰ همان.

(۵۱ همان.

(۵۲ همان.

۵۳. www.hri.calfortherecord ۱۹۹۷ / documention/restervations/cre.

(۵۴ همان; حسین مهرپور، پیشین، ص ۱۴۲.

(۵۵ حسین مهرپور، همان.

(۵۶ همان.

(۵۷ همان.

(۵۸ حسین مهرپور، پیشین، ص ۱۴۸.

(۵۹ شیرین عبادی، کنوانسیون حقوق کودک و حقوق کودکان در ایران، آزما، ص ۱۳.